**جلسه 39**

**یک‌‌شنبه - 28/۰9/۹۵**

**أعوذ باللّه من الشیطان الرجیم بسم اللّه الرحمن الرحیم الحمد للّه ربّ العالمین و صلّی اللّه علی سیّدنا محمّد و آله الطاهرین سیّما بقیّة اللّه في الأرضین و اللعن علی أعدائهم أجمعین.**

‌بحث راجع به اختلاف بین مشهور و قائلین به نظر مخالف مشهور بود راجع به این‌که آیا اول اذان ظهر وقت مختص ظهر است به اندازه چهار رکعت و همین‌طور آخر وقت به اندازه چهار رکعت وقت مختص اذان عصر است کما علیه المشهور؟ یا نخیر، از هنگام اذان ظهر وقت نماز ظهر و عصر با هم داخل می‌‌شود و تا غروب آفتاب وقت مشترک باقی است؟

ما قبل از این‌که ادله طرفین را بررسی کنیم، فروعی را که به عنوان ثمره نزاع مطرح است، عرض می‌‌کردیم.

فرع اول این بود که اگر کسی در وقت مختص ظهر نماز عصر را بخواند سهوا، ‌بناء بر قول مشهور باطل است. چون اخلال کرده به وقت و جزء مستثنیات حدیث لاتعاد، ‌اخلال به وقت است. ولی بناء بر نظر مخالف مشهور این نماز صحیح است. چون اخلال به شرطیت ترتیب بین ظهر و عصر کرده که مشمول حدیث لاتعاد است.

ما عرض کردیم این ثمره درست است لولا صحیحة زرارة: اذا نسیت الظهر حتی صلیت العصر فذکرتها و انت فی الصلاة او بعد فراغک فإنوها الاولی ثم صل العصر فانما هی اربع مکان اربع.

مرحوم آقای حکیم...

**الغاء خصوصیت از نسیان مخصوصا با توجه به تعلیل فانما هی اربع مکان اربع**

[سؤال: ... جواب:] این صحیحه که متهم بود که معرض عنه مشهور هست و ما قبول نکردیم و لو موضوعش نسیان است ولی عرف خصوصیت برایش قائل نیست مخصوصا با تعلیل فانما هی اربع مکان اربع.

**اشکال سوم (مرحوم حکیم): اخبار عدول نسبت به وقت مختص اطلاق ندارد. چون در مورد اخلال به شرطیت ترتیب است.**

مرحوم آقای حکیم فرموده است که ادله عدول اطلاق ندارد؛ ناظر است به وقت مشترک. البته مرحوم آقای حکیم این مطلب را در جایی مطرح می‌‌کند که در اثناء این نماز که به عنوان نماز عصر شروع کردیم ملتفت بشویم که عجب! ما هنوز نماز ظهر نخواندیم. اتفاقا وقت مختص نماز ظهر هم هست. آقای حکیم می‌‌فرماید اگر وقت مشترک قائل شدیم، عدول می‌‌کنیم از نماز عصر به نماز ظهر؛ به عنوان نماز ظهر صحیح قرار می‌‌گیرد این نماز. اما اگر قائل به وقت مختص شدیم این نماز باطل است و ادله عدول که مشهور هم در اثناء نماز به آن قائلند و لو بعد از فراغ از نماز عصر گفته‌اند عدول نمی‌شود کرد از آن نماز عصری که خوانده شده است به نماز ظهر و او را به عنوان نماز ظهر تلقی کنیم اما در اثناء نماز آن را قائلند، آقای حکیم فرموده که این مطلب مختص به وقت مشترک است و الا در وقت مختص اخبار عدول شامل نمی‌شود. چرا؟ ایشان می‌‌فرماید چون ظاهر اخبار عدول از نماز عصر به نماز ظهر که مفتی‌به مشهور هم هست در اثناء نماز، ‌جایی است که این نماز لولا اخلال به شرطیت ترتیب به عنوان نماز عصر صحیح قرار می‌‌گرفت. بخاطر اخلال به شرطیت ترتیب ما دچار مشکل شدیم. روایات گفته که خب عدول کن از نماز عصر به نماز ظهر بخاطر اخلال به شرطیت ترتیب. اما در مانحن‌فیه که وقت، وقت مختص است، مشکل ما در این نمازی که به عنوان نماز عصر نیت کردیم، ‌مشکل وقت است نه مشکل فقط شرطیت ترتیب. و لذا اخبار عدول شامل اینجا نمی‌شود.

**پاسخ: صحیحه زراره بر خلاف سایر اخبار عدول اطلاق دارد و حاکم است بر استثناء لاتعاد**

به نظر ما این اشکال در مورد این صحیحه زراره وارد نیست. اگر اشکال ایشان وارد باشد، بازگشتش به این است که ادله عدول اطلاق ندارد. اشکال دیگری که نمی‌شود کرد. اجتهاد در مقابل نص که نمی‌شود کرد. اگر اخبار عدول مطلق باشد، شامل این نمازی می‌‌شود که در وقت مختص ظهر ما خواندیم به عنوان نماز عصر. چرا؟‌ برای این‌که این نماز چه لزومی دارد که فقط مشکلش اخلال به شرطیت ترتیب باشد؟ نخیر. این نماز می‌‌تواند ظهر صحیح باشد، این نماز می‌‌تواند، ‌این نمازی که به عنوان عصر نیت کردیم، می‌‌تواند ظهر صحیح باشد تعبدا؛ مشکل دیگری غیر از عدم نیت ظهر ندارد. اخبار عدول می‌‌گوید که خب از الان نیت ظهر بکن. اگر اطلاق داشته باشد اخبار عدول که ما مشکل ثبوتی نداریم.

[سؤال: ... جواب:] فرض این است: اخبار عدول حاکم است. اخبار عدول می‌‌گوید این نماز می‌‌شود نماز ظهر. وقتی شد نماز ظهر اخلال نکردیم به وقت نماز ظهر. اخبار عدول حاکم بر حدیث لاتعاد است. حدیث لاتعاد می‌‌گوید که اخلال به وقت فریضه معفو نیست. خب اخبار عدول می‌‌گوید که هذا فریضة الظهر. وقتی فریضه ظهر شد، ما اخلال نکردیم به وقت آن؛ در وقت مختص ظهر خواندیم.

پس اخبار عدول اگر اطلاق داشته باشد نسبت به این نماز، ما مشکلی نداریم. لابد ایشان می‌‌خواهند بفرمایند اطلاقی در اخبار عدول نیست.

انصاف هم این است اگر نبود این صحیحه زراره بقیه روایات عدول اطلاق ندارد. ما اشکال اثباتی آقای حکیم را می‌‌پذیریم. و لذا معتقدیم تنها دلیلی که شامل عدول از نماز عصر به نماز ظهری که نخواندیم می‌‌شود حتی اگر این نماز عصر در وقت مختص ظهر خوانده شده است، تنها دلیل مطلق همین صحیحه زراره است. بقیه روایات اطلاق ندارد.

**بررسی اطلاق اخبار عدول نسبت به وقت مختص**

ما اول روایاتی را که اطلاق ندارد بخوانیم، نکته عدم اطلاقش را بیان کنیم، بعد ببینیم صحیحه زراره که ادعا می‌‌کنیم اطلاق دارد، وجه اطلاقش چیه.

البته این روایات فقط در عدول در اثناء نماز است ها!. اطلاق نسبت به ما بعد الفراغ ندارد. تنها دلیلی که نسبت به ما بعد الفرغ شامل می‌‌شود و می‌‌گوید أو بعد فراغک، فقط صحیحه زراره است. اما اشکال آقای حکیم چون اعم بود می‌‌گفت حتی اگر در اثناء این نمازی که به عنوان نماز عصر شروع کردیم ملتفت بشوی نماز ظهر را نخوندی و در وقت مختص نماز ظهر هم هستی، ‌بناء‌ بر قول به وقت مختص این نماز باطل است و اخبار عدول شامل آن نمی‌شود، خب ما اشکال‌مان این است که صحیحه زراره شامل این مورد می‌‌شود. ولی بقیه روایات را می‌‌پذیریم اطلاق ندارد.

روایات دیگر را داریم می‌‌خوانیم.

**صحیحه حلبی**

یکی صحیحه حلبی است: سألته عن رجل نسی ان یصلی الاولی حتی صلی العصر قال فلیجعل صلاته التی صلی الاولی ثم لیستأنف العصر.

البته این روایت به نظر ما شامل بعد الفراغ هم می‌‌شود. سألته عن رجل نسی ان یصلی الاولی، أي یصلی الظهر حتی صلی العصر قال فلیجعل صلاته التی صلی الاولی، یعنی فلیجعل صلاته ظهرا. بلکه بعید نیست که این قدرمتیقنش بعد الفراغ هم باشد؛ ثم لیستأنف العصر. و لذا بعید نمی‌دانیم این روایت بعد الفراغ را بگیرد و بالاولویة شامل اثناء هم می‌‌شود.

[سؤال: ... جواب:] هم اولویت فتواییه دارد و هم این‌که عرف می‌‌گوید کل نماز را شما توجه نکردی، سلامش را دادی می‌‌گویند این نماز را به عنوان نماز ظهر تلقی کن؛ حالا وسط نماز این عرفی نیست که بگویند نمازت باطل است.

**عدم شمول روایت برای وقت مختص به قرینه حتی صلی العصر**

ببینید! این روایت ما قبول داریم شامل وقت مختص نمی‌شود. چرا؟ برای این‌که می‌‌گوید رجل نسی ان یصلی الاولی حتی صلی العصر. این تعبیر برای کسی که نماز عصرش را اول اذان ظهر می‌‌خواند اشتباها، عرفی نیست. چرا؟ برای این‌که اول اذان کسی نماز عصر بخواند می‌‌گویند نسی الظهر فصلی العصر. نمی‌گویند نسی الظهر حتی صلی العصر. نسی الظهر حتی صلی العصر یعنی مشکل این آقا نسیان ظهر است و الا نماز عصرش را در محل خودش خوانده. نماز ظهرش را فراموش کرد، ‌فراموش کرد، تا نماز عصرش را خواند. یعنی مشکلش این است که نماز ظهرش ادامه پیدا کرد فراموشیش تا اتیان نماز عصر.

[سؤال: ... جواب:] رجل نسی ان یصلی الاولی‌، یعنی رجل نسی ان یصلی الظهر حتی صلی العصر، الان یک آقایی بگوید آقا! من فراموش کردم نماز ظهر را بخوانم تا این‌که نماز عصر را خواندم، ‌عرفی چی می‌‌گوید؟ یعنی می‌‌گوید این فراموشیم امتداد داشت. امتداد داشت تا این‌که نماز عصرم را خواندم. کسی که همان اذان ظهر نماز عصر را می‌‌خواند سهوا، می‌‌گوید رجل نسی ان یصلی الظهر فقام فصلی العصر نه این‌که رجل نسی ان یصلی الظهر حتی صلی العصر. حتی صلی العصر یعنی و استمر نسیانه. فراموش کرد نماز ظهر را بخواند و این فراموشیش ادامه پیدا کرد تا حین اتیان به نماز عصر.

و لااقل این است که اجمال دارد.

[سؤال: ... جواب:] بحث در این است که می‌‌خواهیم ببینیم اشکال آقای حکیم به قصور اثباتی اخبار عدول نسبت به کسی که نماز عصر را در وقت مختص ظهر سهوا خوانده حالا یا در اثناء نماز ملتفت شده یا بعد از نماز، می‌‌خواهیم ببینیم اشکال آقای حکیم نسبت به این روایات وارد است یا نه. ما بعید نمی‌دانیم نسبت به صحیحه حلبی این اشکال وارد باشد.

**روایت حلبی**

روایت دوم، باز صحیحه حلبی: رجل‌‌‌ أمّ قوما فی العصر فذکر و هو یصلی بهم انه لم یکن صلی الاولی قال فلیجعلها الاولی التی فاتته و یستأنف العصر و قد قضی القوم صلاتهم.

**عدم شمول روایت برای وقت مختص**

خب این روشن است شامل وقت مختص نمی‌شود. چرا؟

**قرینه اول: مردم نماز ظهر را خوانده بودند**

برای این‌که فرض این است که مردم نماز ظهرشان را خوانده بودند حالا وقت عصر بود می‌‌خواستند نماز عصر بخوانند. این امام جماعت نماز ظهر نخوانده بود اما آمد از روی فراموشی نیت نماز عصر کرد. وسط نماز یادش آمد که بابا! من نماز ظهرم را امروز نخواندم. امام می‌‌فرماید فلیجعلها الاولی التی فاتته و یستأنف العصر و قد قضی القوم صلاتهم. مردم نماز عصری که خواندند صحیح است. خب مسلم فرض این است مردم نماز ظهر را قبلا خواندند الان نیت نماز عصر کردند. امام می‌‌فرمایند مردم که مشکل ندارند. نماز عصرشان صحیح است. شمای امام جماعت که نیت نماز عصر کرده بودی اول، یادت نبود نماز ظهرت را نخواندی، ‌وسط نماز ملتفت شدی، عدول کن از نماز عصر به نماز ظهر. خب این معلوم است که وقت مختص نبوده. برای این‌که مردم فرض می‌‌کنیم نماز ظهرشان را قبلا خوانده بودند.

روایت سوم...

[سؤال: ... جواب:] و قد قضی القوم صلاتهم. ... رجل‌‌‌ أمّ قوما فی العصر. ... و قد قضی القوم صلاتهم. می‌‌گوید مردم که نمازی که خوانده بودند صحیح است، ‌نماز عصرشان صحیح است. نماز خواندند. مشکل شمای امام جماعت است که نماز ظهر قبلا نخوانده بودی، وسط نمازی که نیت عصر کردی ملتفت شدی، ‌عدول کن به نماز ظهر.

روایت سوم...

**حمل روایت بر وقت نسبی عرفی نیست**

[سؤال: ... جواب:] آقا!‌ رجل‌‌ أمّ قوما فی العصر فذکر و هو یصلی بهم انه لم یکن صلی الاولی. امام می‌‌فرماید فلیجعلها الاولی التی فاتته و یستأنف العصر و قد قضی القوم صلاتهم. ... آقا‌!‌ حالا این‌جور وقت اختصاصی نسبی که شما حساب می‌‌کنید، ‌اکثر این مردم وقت اختصاصی‌شان سریع نماز می‌‌خواندند، ‌وقت اختصاصی ظهرشان سه دقیقه طول می‌‌کشد، اما این امام جماعت وقت اختصاصی ظهرش چهار دقیقه طول می‌‌کشد چون بطیء الحرکة است، ‌بطیء اللسان است، وقت اختصاصی نسبی داری حساب می‌‌کنی، بر فرض هم باشد، وقت اختصاصی نسبی حساب کنیم مثل اخلاق نسبی غرب، شما هم طرفدار وقت اختصاصی نسبی هستی، بر فرض این باشد، عرفی نیست حمل روایت بر این فرض. و قد قضی القوم صلاتهم این عرفا یعنی وقت نماز ظهر گذشته بوده، نماز ظهر را مردم خواندند.

**وجه دوم: تعبیر فی العصر**

حالا اتفاقا من معتقدم تعبیر أ‌مّ قوما فی العصر یعنی وقت عصر. آن‌ها جمع که نمی‌کردند. جداجدا نماز می‌‌خواندند. ‌أمّ قوما فی العصر یعنی وقت عصر آمد امام جماعت شد.

**روایت معلی بن خنیس**

روایت سوم روایت معلی بن محمد. معلی بن محمد مورد بحث است. آقای خوئی توثیقش می‌‌کند. ان‌شاءالله جایی که نیاز بود بحث جدی می‌‌کنیم.

[سؤال: ... جواب:] سند روایت دوم صحیحه حلبی است دیگر. صحیحه اخری حلبی.

روایت سوم معلی بن محمد است که مرحوم استاد می‌‌گفتند من المشاهیری که لم یرد فیهم قدح. ما هم از راه اکثار روایت اجلاء قبولش داریم.

عن الوشاء عن ابان بن عثمان عن عبدالرحمن بن ابی عبدلله: سألت اباعبدالله علیه السلام عن رجل نسی صلات حتی دخل وقت صلات اخری، بعد در همین رابطه دارد که: و ان کان صلی العتمة، یعنی صلی العشاء، فصلی منها رکعتین ثم ذکر انه نسی المغرب اتمها برکعة، دو رکعت نماز عشاء را خواند یادش آمد نماز مغرب نخوانده، ‌عدول می‌‌کند به نماز مغرب ثم یصلی العتمة بعد ذلک.

**عدم شمول روایت برای وقت مختص**

خب این موردش اصلا روایت می‌‌گوید رجل نسی صلات حتی دخل وقت صلات اخری. معلوم است این وقت مختص را شامل نمی‌شود.

پس به نظر ما این روایات شامل آن نماز عصری که در وقت اختصاصی نماز ظهر خواندیم اشتباها نمی‌شود. اما یکفینا صحیحة زرارة.

**صحیحه زراره**

**شمول روایت برای وقت مختص به قرینه تعلیل فانما هی اربع مکان اربع**

صحیحه زراره، ‌خوب دقت کنید! ببینید اطلاق‌گیری ما عرفی است یا نه؟ درست است که در صدرش آن هم دارد اذا نسیت الظهر حتی صلیت العصر، آن اشکالی که به صحیحه حلبی به این تعبیر وارد است، اذا نسیت الظهر حتی صلیت العصر به نظر ما ظاهرش این است که یعنی نماز ظهر را فراموش کردی و این فراموشیت ادامه پیدا کرد تا زمان اتیان به نماز عصر، این انصراف دارد از اتیان به نماز عصر در اول اذان ظهر اشتباها، ولی تعلیلی که امام می‌‌کنند، می‌‌فرمایند که اذا نسیت الظهر حتی صلیت العصر فذکرتها و انت فی الصلاة او بعد فراغک فإنوها الاولی ثم صل العصر فانما هی اربع مکان اربع. این تعلیل عرفا یعنی خصوصیت ندارد وقت مختص و وقت مشترک. انما هی اربع مکان اربع. یعنی شما بناء بود اول اذان ظهر یک نماز چهار رکعتی بخوانی به عنوان ظهر، بعدش یک نماز چهار رکعتی بخوانی به عنوان نماز عصر، حالا اشتباه کردی، ‌نماز چهار رکعتی اول را قصد عصر کردی، انما هی اربع مکان اربع، این چهار تا جای آن چهار تا، فإنوها الاولی.

[سؤال: ... جواب:] ما به نظرمان این تعلیل معمم است. شما آقایان ‌که می‌‌گفتید اشکال ما به صحیحه حلبی هم وارد نیست که می‌‌گفتیم اذا نسی الظهر حتی صلی العصر. ما می‌‌گفتیم ظاهرش این است که نسیان ظهر مستمر بود. و لذا اول نماز ظهر آن وقتی که نماز می‌‌خواند نماز نخواند، فراموش کرد ظهر و این امتداد داشت نسیانش تا زمان اتیان به نماز عصر و لذا شامل اتیان به نماز عصر در وقت مختص نمی‌شود. ما این‌جور اشکال می‌‌کردیم. آقایان می‌‌گفتند نه، این اشکال وارد نیست. حالا اینجا می‌‌گوییم العلة تعمم. خب نمی‌دانم دیگه اشکال آقایان به اینجا چیه. ... آها!. بله، بله. این اشکال خوبی است:

**عدول من السابقة الی اللاحقة**

یک بحثی هست راجع به این فانما هی اربع مکان اربع. و او این است که آیا می‌‌شود از مورد خودش که نماز عصر است که عدول می‌‌کنیم به نماز ظهر، یعنی العدول من اللاحقة الی السابقة، تعدی کنیم به سایر موارد؟ مثلا من فکر می‌‌کردم نماز ظهرم را نخواندم. بلند شدم نماز ظهر را نیت کردم. فرض کنید وسط نماز یا آخر نماز یادم آمد‌ای بابا!‌ اتفاقا امروز همان اول وقت نماز ظهرمان را خواندیم. اعتقاد داشتیم نماز ظهر نخواندیم نیت نماز ظهر کردیم. بحث است که این نماز ظهر به عنوان نماز عصر قبول می‌‌شود یا نه؟

**صاحب عروه: از باب تقیید، نماز، باطل. از باب خطا در تطبیق، نماز، صحیح**

صاحب عروه تفصیل داده. گفته اگر از باب تقیید است، یعنی چی؟ یعنی اگر می‌‌فهمیدی که نماز ظهر را خواندی، ‌الان بلند می‌‌شدی نماز بخوانی؟ نه، این تقیید است، فایده ندارد. اگر نه، بالاخره می‌‌خواستی بلند بشوی نماز بخوانی، اگر می‌‌فهمیدی نماز ظهرت را خواندی خب نیت نماز عصر می‌‌کردی، این می‌‌شود خطا در تطبیق. بعضی‌ها جواب می‌‌دهند: اتفاقا من چون شبهه صاحب حدائق که وجوب مبادرت به نمازهای فریضه در وقت اختیاری را دارم، فکر کردم نماز ظهر را نخواندم خواب را بر خودم حرام کردم، ‌بلند شدم نماز ظهر نیت کردم. اگر می‌‌دانستم نماز ظهرم را خواندم، ‌نماز عصر نخواندم، ‌نماز عصر که وقتش امتداد دارد حالا. یک خوابی می‌‌کردیم بعد بلند می‌‌شدیم نماز عصر می‌‌خواندیم. صاحب عروه می‌‌گوید بطلت صلاتک. چون این تقیید شد. تقیید یعنی انحصار داعی.

**محقق خوئی: نماز، باطل است مطلقا. چون عنوان ظهر و عصر، قصدی هستند**

آقای خوئی فرموده از من بپرسند می‌‌گویم این نماز مطلقا باطل است حتی از باب خطا در تطبیق. چرا؟‌ برای این‌که شما بالاخره قصد نماز ظهر کردی، قصد نماز عصر نکردی؛ نماز ظهر و نماز عصر عنوان قصدی هستند. شما قصد نماز ظهر کردی. دلیل نداریم که این نماز به قصد نماز ظهر، نماز عصر بشود. مثل این‌که شما انشاء بیع بکنی بگوییم اجاره بشود. و این‌که کسی در اثناء نماز عصر ملتفت می‌‌شود نماز ظهر را نخوانده به او می‌‌گوییم می‌‌توانی عدول کنی به نماز ظهر بخاطر تعبد است؛ دلیل خاص داریم.

**تمسک به عموم تعلیل در صحیحه زراره صحیح نیست. چون علت، حکم را عوض نمی‌کند**

آن وقت اینجا یک آقایی می‌آید، این را ما در یک بحثی مطرح کردیم که می‌آید می‌‌گوید آقا!‌ انما هی اربع مکان اربع، ‌العلة تعمم. چه فرق می‌‌کند؟‌ روایت در عدول از لاحقه به سابقه گفته فانما هی اربع مکان اربع، ‌ما در عدول از سابقه به لاحقه می‌‌توانیم این تعلیل را بگوییم.

جواب دادیم گفتیم هیچ وقت علت حکم را عوض نمی‌کند؛ مورد را از خصوصیت می‌‌اندازد. حکم چیه؟ حکم، عدول از لاحقه است به سابقه. فإنوها الاولی فانما هی اربع مکان اربع. این مثل این می‌‌ماند که ان جائک زید فاکرمه لانه عالم. خب بابا! لانه عالم زید را که مورد است از خصوصیت می‌‌اندازد. اما ان جائک فاکرمه که حکم است او که از خصوصیت نمی‌افتد. می‌‌گوید زید خصوصیت ندارد، هر فرد دیگری که عالم است، به جای زید بیاید، او هم واجب الاکرام است. یعنی ان جائک عمرو العالم فاکرمه، ان جائک بکر العالم فاکرمه. نه این‌که حکم را هم از خصوصیت بیندازیم. ان جائک زید فاکرمه. چون که عالم است پس شهیدش هم بکنیم تا یک عالم شهیدی داشته باشیم. خب چه ربطی دارد؟ عالم برای همین حکم نه برای احکام دیگر. ان جائک زید فاکرمه. خصوصیت حکم معلل را نباید الغاء کرد.

این خیلی مهم است ها!. ما بارها این را عرض کردیم. نهی النبی عن بیع السمک فی الآجام فانها غرر. گفتیم فانها غرر تعلیل است اما ببینید تعلیل چیه؟ تعلیل بیع است یا مبیع؟ اگر می‌‌گفت نهی النبی عن بیع السمک فی الآجام فان بیعها غرر، بله؛ این معنایش این است که نهی از بیع نه بخاطر خصوصیت بیع است؛ بخاطر این است که عقد غرری است. اجاره غرری هم همین حکم را دارد. اما اگر بگوید نهی النبی عن بیع السمک فی الآجام فانها غرر، أي مجهول، معنایش این است که دیگر این سمک، خصوصیت ندارد در حرمت بیع. هر مجهولی بیعش حرام است. فرق است که تعلیل برای چی باشد و حکم، چی باشد.

اینجا هم همین است. فانما هی اربع مکان اربع حکمش چیه؟ فإنوها الاولی فانما هی اربع مکان اربع نه فإنوها الثانیة. بله، این‌که شما نماز عصرت چه خصوصیت دارد در وقت مشترک بوده یا در وقت مختص مهم نیست. اما فإنوها الاولی مهم است. این حکم است. و ما هیچوقت تعلیل منشأ نمی‌شود حکم را عوض کنیم. حکم را حفظ می‌‌کنیم. مورد را برای این حکم از خصوصیت داشتن می‌‌اندازیم.

خذ فاغتنم.

خب این فرع اول برای ثمره نزاع بین وقت مختص و وقت مشترک.

[سؤال: ... جواب:] انما هی یعنی این صلاتی که خواندی، ‌صلاة العصر... می‌‌دانم. انما هی، این صلات عصر دیگر. اربعٌ دیگه. نگفت اربع فی وقتها. تعلیل این است که انما هی اربع. ... اگر این‌جوری است؛ این نمازی که خواندی در هوای گرم، ‌در هوای سرد، نمی‌دانم با معنویت. آخه چه می‌‌دانیم؟ ... بابا!‌ ذکر نشده در تعلیل. ... ان جائک زید لانه عالم. بگویی ها!‌ لانه عالم. اکرم زیدا لعلمه، ان جائک زید لعلمه، علم زید، ‌بعد می‌‌گوییم عمرو هم عالم است، می‌‌گوید تو علم زید را با علم عمرو یکی می‌‌دانی؟ علامه دهر است زید. عمرو دو روز است که آمده درس خوانده. سیوطی خوانده. این عرفی است این‌جور خصوصیت‌ها برای تعلیل؟ می‌‌گوید ان جائک زید فاکرمه. خب عمرو هم علم دارد. حالا چه کار داریم زید بشکه علم است، عمرو سطل علم است. بالاخره علم است دیگه. فانما هی اربع مکان اربع. این نماز عصر اربعٌ دیگه. نگفت اربع فی الوقت که.

فرع دوم...

[سؤال: ... جواب:] این‌که لاحقه نیست که. لاحقه‌ی صلاتین مترتبتین. نماز عشاء که مترتب بر نماز ظهر نیست. ... فإنوها الاولی یعنی اولی برای چی؟ اولی و ثانیه ندارد که. اولی و ثانیه برای این است که مترتبتین هستند نماز ظهر و عصر.

**فرع دوم: اتیان به نماز ظهر به اعتقاد وسعت وقت**

فرع دوم این است: کسی نماز ظهر را خواند به اعتقاد وسعت وقت. بعد معلوم شد که در وقت مختص عصر بوده. بناء بر قول مشهور خب این نماز باطل است. چرا؟ برای این‌که نماز ظهرش را در ضیق وقت خوانده و این وقت، وقت ظهر نبود؛ وقت عصر بود. لاتعاد نمی‌گیردش. چون اخل بالوقت. ولی بناء بر قول مخالف مشهور نخیر، این نماز ظهرش صحیح هست. نماز عصرش قضاء شده است.

حالا باید بحث کنیم. بناء بر قول مشهور این نماز ظهرش ادائا قبول نیست، ‌چون وقت نماز ظهر گذشته است ولی قضائا صحیح است و یا نه، قضائا هم باطل است؟ دقت کنید! تکرار می‌‌کنم. بناء‌ بر قول مخالف مشهور طبق صناعت این نماز ظهرش صحیح است. چرا؟ برای این‌که نماز ظهر خواند در وقت. و لو بر فرض دلیل بیاید بگوید که تو باید نماز عصر بخوانی در ضیق وقت. خب سهوا نماز عصر نخواند نماز ظهر خواند. چرا این نماز ظهرش باطل باشد؟ اخلال به وقت که نکرده است. وقت، مشترک است.

بناء بر قول مخالف مشهور: اما بناء بر قول مشهور وقت نماز ظهر گذشته. چهار رکعت ماند به غروب آفتاب. حالا وقت نماز ظهر است؟ وقت نماز ظهر نیست. پس این نماز ظهرش ادائا صحیح نیست. حالا بحث می‌‌شود که قضائا صحیح است؟‌ از باب این‌که فوت شده است نماز ظهر، ‌من فاتته فریضة فلیقضها. یا نه، قضائا هم صحیح نیست؟ و بعد از غروب آفتاب هم نماز ظهرش را باید قضاء کند هم نماز عصرش را. این بحثی است که ان‌شاءالله بعدا مطرح می‌‌کنیم.

**فرع سوم (بخش اول): بعد از اتیان به نماز عصر کشف می‌شود وقت، ضیق نیست**

فرع سوم را هم عرض کنم: کسی که خوف تنگی وقت دارد، خوف ضیق وقت دارد، خب بناء بر قول مشهور می‌‌گویند شما اگر خوف داری که نماز ظهر را نخوانی، حتی یک رکعت نماز عصر هم در داخل وقت درک نمی‌کنی، و الا، ‌دقت کنید! اگر مطمئنی به اندازه یک رکعت نماز عصر را درک می‌‌کنی در وقت، نه، نماز ظهر بخوان و لو بعض رکعات نماز عصر خارج وقت واقع می‌‌شود، ‌همین که یک رکعتش داخل وقت می‌‌دانی واقع می‌‌شود کافی است. مشکل جایی است که نگرانی مبادا نماز ظهر بخوانی حتی یک رکعت نماز عصر هم داخل وقت درک نکنی. بناء بر قول مشهور و بناء بر قول مخالفین مشهور، نوعا این‌جور می‌‌گویند، می‌‌گویند واجب است نماز عصر بخوانی. حالا نماز عصر خواندی، خوف است دیگر، خوف که قطعی نیست، بعد از این‌که نماز عصر خواندی، دیدی بابا!‌ هنوز وقت هست برای نماز ظهر، ولی این وقتی که برای نماز ظهر است چه وقتی هست؟ همان وقت مختص عصر است. نماز عصر را خواندی دیگه. نماز عصر را عند خوف ضیق الوقت باید می‌‌خواندی، خواندی. الان‌ که نماز عصر را خواندی می‌‌بینی به اندازه یک رکعت به غروب آفتاب وقت داری.

بناء‌ بر قول مشهور باید ببینیم: ظاهرش این است که دیگه لزومی ندارد الان نماز ظهرت را بخوانی. الان‌ که وقت نماز ظهر دیگه نیست. قضاء شده دیگه. نماز عصر را خواندی دیگه. نماز عصر هم یک رکعت مانده به غروب آفتاب، وقت مختص نماز عصر است دیگه. وقت نماز ظهر گذشته. دیگه وقت نماز ظهر گذشته، ‌بعدا قضائش را بخوان، فردا، ‌پس فردا. اما بناء بر قول مخالف مشهور ظاهرش این است که وظیفه این است که نماز ظهرت را بخوانی چون یک رکعت داخل وقت را از نماز ظهر درک می‌‌کنی.

این فرع، فرع مهمی است.

**در مبحث وضوء، وقت اختیاری نماز ملاک است اما در اینجا وقت اضطراری ملاک است**

ما فقط یک نکته عرض کنیم، قبل از این‌که این فرع را بحث کنیم. و آن نکته این است، می‌‌خواهم بروید فکر کنید:

اصل این مطلب که گفتند اگر به اندازه پنج رکعت وقت داری، نماز ظهرت را بخوان، ‌یک رکعت از نماز عصر را قبل از غروب درک بکنی کافی است، اما در بحث وضوء گفته‌اند اگر وضوء بگیری، نیم ‌رکعت نمازت هم خارج وقت باشد درست نیست، باید بروی تیمم کنی، تیمم بکن تا بتوانی کل رکعات نماز را در وقت درک کنی، ‌حق وضوء گرفتن نداری. ‌در وجوب وضوء وقت اختیاری نماز را ملاک قرار دادند. گفتند اگر وقت، سعه ندارد برای این‌که نماز اختیاری را در وقت بخوانی برو تیمم کن. اما در بحث ضیق وقت در نماز ظهر و عصر آمدند گفتند نه، اینجا معیار نماز اختیاری عصر در وقت نیست. معیار یک رکعت در وقت است از نماز عصر به جوری که اگر می‌‌توانی نماز ظهر را بخوانی و یک رکعت از نماز عصر را داخل وقت درک کنی باید نماز ظهر را بخوانی.

فرق بین این دو تا فرع چیه که در یک جا گفته‌اند یک رکعت از نماز را در وقت درک کنی کافی نیست برای این‌که بروی وضوء بگیری، برو تیمم کن تا کل نماز داخل وقت باشد، اما اینجا نمی‌گویند که اگر نماز ظهرت را بخوانی‌ بعض رکعات نماز عصر خارج وقت بشود اشکال دارد. می‌‌گویند نه، هیچ اشکال ندارد؛ یک رکعت هم داخل وقت بشود کافی است.

این را تامل کنید!‌ ان‌شاءالله فردا، هم توضیح بدهیم هم جواب بدهیم.